



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



محمد جواد صاحبی



سیر تحول مقتل نگاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیر تحول مقتل نگاری

نویسنده:

محمد جواد صاحبی

ناشر چاپی:

محمد جواد صاحبی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	سیر تحول مقتل نگاری
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۶	واقعه ای بی همتا
۷	باز ماندگان، نخستین راویان
۸	نخستین مقتل نگاران
۹	آمیزه نقل و احساس در مقتل نگاری
۱۰	بازگشت به مقتل نگاری مستند
۱۰	تعارض تحریف گرایی و تاریخ نگاری
۱۱	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سیر تحول مقتل نگاری

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد جواد صاحبی

ناشر: محمد جواد صاحبی

چکیده

نقل و نگارش سرگذشت شهیدان کربلا فصل نوینی را در تاریخ با عنوان مقتل نگاری رقم زد. اولین راویان واقعه کربلا بازماندگان خاندان امام حسین علیه السلام بودند و پس از آن، گروهی از سپاه یزید. آنچه راویان گفتند، کم و بیش در کتاب‌های مقتل به نگارش درآمد. کتاب‌های مقاتل بسیاری نگاشته شده که ابو مخنف، خوارزمی و ابن اعثم کوفی و دیگران قدیمی‌ترین آنها را نگاشته‌اند. در این نوشتار پس از معرفی اولین مقتل نگاران و بیان شیوه آنها (مقتل نگاری مستند)، به معرفی دیگر مقتل نگارانی که در نگاشته‌های خود نقل و احساس را با هم آمیخته، ترکیبی از آن دو را در کتب خود عرضه کردند، پرداخته شده است. و در پی آن گفته آمده که دو شیوه پیشین مقتل نگاری از قرن سیزدهم به بعد پا به پای هم به پیش رفت و نمونه‌هایی از هر دو شیوه یافت می‌شود. خاتمه نوشتار به بحثی درباره تعارض تحریف گرایی و تاریخ نگاری اختصاص دارد. کلیدواژه‌ها: حماسه کربلا، راویان کربلا، مقتل نگاری، مستند نگاری، تحریف تاریخ.

واقعه ای بی همتا

ملت‌های رشید، همواره یاد قهرمانان ملی و مفاخر علمی و دینی خود را بزرگ می‌شمارند. بناهای یادبود، زندگی‌نامه‌ها، نمادها، مجسمه‌ها، همگی حکایت از میل درونی بشر به ستایش از انسان‌های برتر دارد. این میل به ستایش والایی‌ها، که از فطرت کمال‌جوی انسان سرچشمه می‌گیرد، او را و او را می‌دارد تا در برابر عظمت‌ها سر فرود آورد و خاضعانه آنها را تکریم نماید. از این رو، بزرگداشت افتخار آفرینان در هر قوم و ملتی امری طبیعی به نظر می‌رسد. این مسئله در ملل فرهیخته‌ای که از ذوق و احساسات نیرومندتری برخوردار هستند، در شعر و ادب آنها تجلی می‌یابد و مجموعه‌های فخیم و عظیم و تأثیرگذاری را به یادگار می‌گذارد. امّا آنچه که درباره نهضت حسینی و واقعه جان‌گداز عاشورا اتفاق افتاده است، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد، کیفیتی یگانه و ممتاز داشته است. چون این واقعه نه یک نبرد، حماسه و داستان غم‌انگیز (تراژدی) بلکه یک رخداد بی‌مانند در تاریخ بوده است. بی‌اغراق می‌توان گفت که نه پیش از عاشورا و نه پس از آن، حادثه‌ای با این ویژگی‌ها هرگز به وقوع نپیوسته است؛ زیرا عده‌ای مسلمان یکی از عزیزترین نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله را با اصرار و سماجت بسیار دعوت کرده بودند و او دعوت آنان اجابت فرمود. اما آن نامرد مردم به جای استقبال، در بیابان راه را بر او بسته و برادران و فرزندان و برادرزادگان و یاران و کودکانش را به فجیع‌ترین شکل بلب تشنه و شکم گرسنه به شهادت رساندند و زنان خاندانش را اسیر و حتی بر پیکر بی‌جان آنها، اسب تاختند. این فاجعه، آن قدر نادر و شگفت‌انگیز بوده است که عاملان آن، پس از فراغت و دوری از صحنه جنایت، از کرده خویش پشیمان و انگشت‌حیرت به دندان گرفته‌اند. چنان‌که شبث بن ربعی در زمان حکومت مصعب بن زبیر چنین بود. [۱]. برخی از مورخان به دلیل هولناکی و دهشت‌انگیزی آن، حتی توان بیان آن را نداشته‌اند؛ [۲] به همین جهت بوده است که نقل و نگارش سرگذشت شهیدان کربلا یگانه و بی‌همتا مانده و دانشی به عنوان «مقتل نگاری» را به دنبال داشته است. البته تأکید اهل بیت پیامبر

صلی الله علیه و آله بر پاسداشت نام و یاد این واقعه، بسیار مؤثر بوده است. احادیث دقیق و روشنگری درباره ابعاد این رویداد تاریخی، از اولیای معصوم علیهم السلام به تواتر رسیده است؛ چه آن که علاوه بر اهمیت موضوع، حضور امام زین العابدین علیه السلام در آن و مشاهده حوادث و وقایع از آغاز تا به انجام، به اعتبار اسناد، افزوده است.

باز ماندگان، نخستین راویان

امام زین العابدین علیه السلام - که در آن زمان، گویا حدود بیست و سه سال داشت - از آغاز حرکت و نهضت حسینی با امام همراه بوده و در وقایع کربلا تا به انجام حضور داشته است. او پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یاران بزرگوارش، به اسارت دشمن درآمد و رهبری نهضت را عهده‌دار بوده است. گرچه درباره وقایع طول مسیر از مدینه تا کربلا هیچ گزارشی از وی نرسیده، ولی از شب عاشورا به بعد روایات متعددی از آن حضرت در کتاب‌های حدیثی و تاریخی ثبت شده که بسیار حائز اهمیت است. فرزند ایشان امام باقر علیه السلام که گویا کودکی سه و یا چهار ساله بوده - نیز در آن واقعه، حضور داشته است. از فرزندان امام حسن علیه السلام چند نفر در کاروان حسینی بوده‌اند که برخی به شهادت رسیده و بعضی اسیر شده‌اند؛ مانند عمرو بن حسن که در تاریخ ثبت شده است. [۳]. فرزند دیگر امام حسن علیه السلام به نام حسن مکنی به ابو محمد و معروف به حسن مثنی و داماد امام حسین علیه السلام [۴] نیز در سراسر نهضت حضور داشت. وی در روز عاشورا همانند دیگر افراد بنی هاشم با دشمن مبارزه کرد و حتی در برابر تیر اندازان اشقیاء، خود را سپر امام حسین علیه السلام قرار داد و هفده نفر را به هلاکت رساند. او آن اندازه مقاومت کرد که پیکرش زخم‌های کاری بسیار برداشت و کم رمق در میان کشتگان افتاد به طوری که دشمنان گمان کردند که او به شهادت رسیده است. [۵]. پس از شهادت سیدالشهدا علیه السلام دشمنان آمدند تا سرهای شهیدان را از تن جدا کنند؛ اما حسن را زنده یافتند. اسماء بن خارجه، دایی او حاضر بود و به دیگران گفت: او پسر خواهر من است؛ وی را به من وانهد. اگر ابن زیاد او را به من بخشید، چه بهتر و گرنه خودش درباره حسن تصمیم بگیرد. اسماء، او را با خود به کوفه برد. این خبر به عیدالله رسید. چون اسماء از اشراف کوفه و رئیس قبیله بنی فزاره بود، ابن زیاد مصلحت‌اندیشی کرد و گفت: پسر خواهر ابو احسان را به او واگذارید. اسماء، حسن را معالجه و مداوا کرد تا بهبود یافت و سپس به مدینه فرستاد. برخی از نویسندگان درباره نسبت حسن مثنی با اسماء بن خارجه در ذیل این روایت نوشته‌اند: چون مادر حسن مثنی از قبیله اسماء بن خارجه بود، به رسم عرب، اسماء، خود را دایی حسن نامید. [۶]. از اهل بیت امام حسین علیه السلام زنان و مردان دیگری، شاهد وقایع نهضت و حوادث روز عاشورا و پس از آن بوده‌اند؛ از جمله خواهران، همسران، فرزندان سیدالشهدا علیه السلام و بستگان برخی از شهیدان که به اسارت دشمن در آمده بودند. از خاندان و بازماندگان شهیدان که بگذریم؛ برخی مبارزان نیز بنا به عللی که در تاریخ آمده است از معرکه نجات یافته که نام افراد ذیل در منابع آمده است: غلام عبد الرحمان بن عبد ربّه انصاری خزرجی، از جمله کسانی است که از حادثه عاشورا جان سالم به در برده است. هر چند از نام و سرگذشت وی، اطلاعی در دست نیست؛ ولی نوشته‌اند به همراه مولای خود، عبد الرحمان در کربلا بوده و برخی وقایع را گزارش کرده است. [۷]. عقبه بن سمعان که از آغاز تا به انجام، همراه امام حسین علیه السلام بوده و در روز عاشورا به اسارت سپاه ابن زیاد در آمده است. [۸]. عقبه به دلیل آن که از مدینه تا کربلا تا آخرین لحظات به امام حسین علیه السلام نزدیک بوده است، روایات دقیق و متعددی را از حوادث نهضت و مقتل امام حسین نقل کرده است. برخی از «طرمح» نیز به عنوان یکی از بازماندگان اصحاب امام حسین علیه السلام نام برده‌اند که روایاتی از او در کتاب‌های تاریخی، نقل شده است. ابو موسی موقع بن ثمامه اسدی نیز در سپاه امام حسین علیه السلام حضور فعال داشته از بازماندگان حادثه عاشورا به شمار رفته که گویا بستگانش او را از اسارت نجات داده و با خود به کوفه برده‌اند. [۹]. ضحاک بن عبدالله مشرقی همدانی نیز از کسانی است که از میانه راه، با امام همراه گردید و طبق عهده‌ای که با آن حضرت بسته بود تا لحظات آخرین در سپاه آن بزرگوار، به نبرد با

یزیدیان پرداخت و سرانجام با زمینه‌ای که فراهم آورده بود، از چنگ دشمن گریخت. او سال‌ها پس از واقعه عاشورا زیست و روایتگر وقایع عاشورا گردید. بخش قابل توجهی از روایات ابو مخنف که در تاریخ طبری ماندگار شده است، از زبان اوست. افزون بر اینها، از سپاه اشقیما هم اشخاصی چون حمید بن مسلم، شَبَث بن ربیع و دیگران به سبب تبه و عذاب وجدان و یا به جهت تفاخر و کسب جاه و مال، روایتگر برخی از رویدادها بوده‌اند.

نخستین مقتل نگاران

خوشبختانه برخی روایات این راویان در همان سده نخست با دقت، ثبت و ضبط شده و شمار قابل توجهی از آنها به روایت ابو مخنف اینک به ما رسیده است. بجاست درباره این روایتگر واقعه عاشورا که مقتل او از اشتها ویژه‌ای برخوردار است، توضیحاتی ارائه شود. ابو مخنف لوط بن یحیی آزدی غامدی (م ۱۵۷ ق) از اصحاب ائمه علیهم السلام از جمله امام صادق علیه السلام بوده [۱۰] و از آن حضرت، روایت نقل می‌کرده است. [۱۱]. پدرش یحیی از یاران امیر مؤمنان علی علیه السلام و جدش مخنف بن سلیم (سلیمه) آزدی، جزو اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران امام علی علیه السلام به شمار می‌رفته و در عهد خلافت آن حضرت عامل وی در اصفهان و همدان بوده است. [۱۲]. مخنف در جنگ جمل، علمداری قبیله ازد را به عهده داشت و در آن جنگ، خود [۱۳] و دو برادرش به شهادت رسیدند. [۱۴]. ابو مخنف، محدثی مورد اعتماد و وثوق بوده و به گفته ابن ندیم: «علما عقیده دارند که او از دیگران در امر عراق و اخبار و فتوح، آشنایی بیشتر دارد». [۱۵]. کتاب‌های او - که بیشتر در شرح حوادث عصر امام علی علیه السلام و نقل رویدادهای مربوط به مقتل امام حسین علیه السلام بوده - از میان رفته است؛ ولی روایات کتاب مقتل الحسین علیه السلام به کتاب‌های تاریخی راه یافته است. بخش قابل توجهی از آنها را طبری در کتاب تاریخ الأمم و الملوک با ذکر دقیق اسناد، نقل کرده و از این طریق مورد استناد مؤلفان دیگر قرار گرفته است. بخش عمده‌ای از روایات یاد شده، در آثار ابو الفرج اصفهانی، شیخ مفید، مسکویه رازی، ابو حنیفه دینوری، بلاذری و ابن اثیر، نقل گردیده است. البته آنها مأخذ روایات خود را نام نبرده‌اند؛ ولی با توجه به وحدت نقل‌ها و حتی عبارت‌ها - که در بیشتر کتاب‌های یاد شده دیده می‌شود - گمان می‌رود که مصدر برخی از آنها تاریخ طبری و برخی دیگر اصل کتاب مقتل الحسین ابو مخنف باشد. به هر حال روایات ابو مخنف با ذکر اسامی راویان با یک و یا دو واسطه، به شاهدان عینی می‌رسد. اثر او نیز حدود شصت و یا هفتاد سال پس از واقعه عاشورا، نگاشته شده که به طور طبیعی خاطرات و حوادث آن رویداد بزرگ هنوز بر زبان مردم جاری و از آن گفت و گو می‌شده است از این جهت شاید کمتر اثری مانند آن در تاریخ نگاری یافت شود. بعضی گفته‌اند: اصبع بن نباته از یاران خاص امام علی علیه السلام کتابی به نام «مقتل الحسین» را درباره واقعه عاشورا و مقتل حضرت سیدالشهدا گرد آورده است؛ ولی هیچ اثری از کتاب او موجود نیست و مورخان بعدی نیز روایتی از وی در این زمینه نام نبرده‌اند. «مقتل الحسین» اثر هشام کلبی، از شاگردان امام صادق علیه السلام هم گویا از بین رفته، و به جز روایاتی چند - که از آن در کتاب‌های بعدی راه یافته - نشانه دیگری به جای نمانده است. معاصر این بزرگواران، از کسان دیگر همچون جابر جعفی در گذشته سال ۱۲۸ قمری به عنوان مقتل نگار یاد شده است؛ اما جز نام، چیزی از او در آثار پسین دیده نمی‌شود. همین نام‌ها، نشان از اهمیت موضوع و اهتمام ائمه علیهم السلام، صحابه، تابعان، راویان، محدثان و مورخان مسلمان، بر حفظ و ضبط درست این واقعه داشته است. البته به موازات این تلاش‌ها - که برای حراست از تاریخ و پیام نهضت حسینی صورت می‌گرفته است - حزب امویان و حکام فاسد و مستبد پسین در امحای این اسناد و تحریف آنها، بسیار جدی و کوشا بوده‌اند. به همین جهت بسیاری از این مکتوبات در قرون نخستین، از بین رفته و کمتر اثری از آنها به یادگار مانده است. در عین حال آن مقدار از احادیث صحیح که در جوامع حدیثی در این باره به میراث رسیده است، قابل توجه و به دور از ابهام می‌باشد. در کنار این متون تاریخی و روایی دقیق، برخی کتاب‌های دیگر وجود دارد که بدون ذکر سند، روایاتی را نقل کرده‌اند. جالب آن که نوعی

وحدت رویه نیز، در این دسته از آثار مشاهده می‌شود و حاوی برخی وقایعی هستند که البته در کتب دسته پیشین دیده نمی‌شود. این گمان را تقویت می‌کند که اینها نیز سرچشمه واحدی داشته و از یک متن خاص، متأثر شده باشند. چنان‌که میان مطالب کتاب امالی، اثر محمد بن علی بن بابویه معروف به «صدوق» در گذشته سال ۳۸۱ قمری [۱۶]، و کتاب الفتح اثر ابو محمد احمد بن علی معروف به «ابن اعثم کوفی» محدث، شاعر و مورخ شیعی (م ۳۲۴ ق) [۱۷]، هم سازی بسیاری دیده می‌شود. البته نوشته‌اند که شیخ صدوق کتابی با نام «مقتل الحسین» نگاشته که به طور مستقل فعلاً موجود نیست؛ ولی بعید نمی‌نماید که بخشی از آن، همان مطالبی است که وی برای شاگردانش املا می‌کرده و تحت عنوان «امالی» اینک به دست ما رسیده است. البته مورخان دیگری مانند احمد بن ابی یعقوب اصفهانی معروف به ابن واضح یعقوبی، مورخ و جغرافی‌دان و سیاح مشهور مسلمان در اوایل سده سوم و ابو الحسن علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۵ ق) گزارش‌های فشرده و کوتاهی از نهضت و مقتل امام حسین علیه السلام بدون ذکر سند آورده‌اند که تعارضی با متون پیشین و معاصر خود ندارد.

آمیزه نقل و احساس در مکتب نگاری

در سده ششم هجری ابو المؤید خوارزمی (م ۵۶۸ ق)، با بهره‌گیری از هر دو دسته کتب روایی و تاریخی، کتابی مستقل و مفصل با نام *مقتل الحسین* نگاشت که تاکنون بدون اختلافی در نسخ آن، مورد استفاده محققان و مکتب‌نگاران و مکتب‌خوانان بوده است. خوارزمی در بیشتر نقل‌ها، سلسله روایان خبر را نام می‌برد و در برخی موارد از ابو مخنف و بویژه از ابن اعثم کوفی یاد می‌کند. به هر حال *مقتل خوارزمی* از جمله مقاتل مستندی است که مؤلف با مطالعه کتاب‌های تاریخی و روایی آن را فراهم آورده است. به همین جهت نزد بسیاری از دانشمندان عامه و خاصه معتبر شناخته می‌شود. در همین دوره، ابو جعفر رشید الدین محمد بن شهر آشوب (م ۵۵۸ ق) در کتاب *مناقب آل ابی طالب ذیل عنوان مناقب امام حسین علیه السلام* به نقل *مقتل آن حضرت* پرداخت. کتاب او نیز نزد محدثان و مورخان دارای اعتبار و همواره مورد مراجعه بوده است. در سده بعد، علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس معروف به «سید بن طاووس» (م ۶۶۴ م) در پی کتاب *مصباح الزائر و جناح المسافر* که شامل زیارات و آداب مربوط به آنهاست، کتابی درباره *مقتل سیدالشهدا* فراهم آورد تا زائران حرم حسینی از ثواب ذکر مصائب آن حضرت محروم نمانند و نام آن را *اللّهوف علی قتلی الطفوف* نهاد که در برخی نسخه‌ها «الملهوف علی قتلی الطفوف» نامیده شده است. سید بن طاووس به منظور رعایت ایجاز و اختصار، به نقل برخی از روایات بدون ذکر روایان و مصادر آنها پرداخته و البته گاه اشاره‌ای به ابن اعثم نموده است. به نظر می‌رسد، منبع بیشتر مطالب، کتاب *الفتح* ابن اعثم کوفی باشد، هر چند روایات مشهور را نیز در نظر داشته است. آخرین حلقه این گونه *مقتل نگاری* مستند، کتاب *مثیر الأحزان* است که نجم الدین جعفر بن محمد بن هبه الدین نمای حلی (م ۸۴۱ ق) مشهور به «ابن نما» آن را تألیف کرده و پس از آن ظاهراً تا چندین قرن این شیوه متروک مانده است. از سده دهم هجری، بابت جدید در *مقتل نگاری* و *مقتل خوانی* گشوده شد و امیال مادی و اغراض سیاسی با عواطف و احساسات مذهبی پیوند یافت و *مقتل سرایی* را جانشین روایات تاریخی ساخت. شاید سر آغاز این نوع از *مقتل نویسی*، کتاب *روضه الشهداء* اثر ملا حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق) باشد. تذکره نویسان مذهب وی را مختلف نوشته‌اند؛ برخی او را شافعی، برخی حنفی و گروهی شیعه یاد کرده‌اند. او در بخشی از کتاب یاد شده، به ذکر *مقتل امام حسین علیه السلام* پرداخته و مطالبی را در آن آورده که برخی ابداعی بوده است. اگر چه گهگاه از کتاب‌هایی چون *کنز الغرایب* و شواهد نام برده، ولی شماری از روایات آن در هیچ کتابی پیشینه نداشته است. کتاب *روضه الشهداء* که اصطلاح «روضه» پس از آن رواج یافته - چون به زبان فارسی ساده و شیرین نگاشته شده، مورد بهره‌گیری بسیاری از مداحان و روضه‌خوانان قرار گرفته و سر منشأ بسیاری از دروغ‌زنی‌ها و قصه‌پردازی‌ها شده است. پس از وی، این مطالب به کتاب‌های روایی و تاریخی راه یافته و در آثار پسین به آنها استناد شده است. در سده یازدهم هجری، یعنی عصر

صفویه، مقتل امام حسین علیه السلام در دو کتاب مقتل عوالم اثر عبدالله بحرانی اصفهانی و بحار الأنوار تألیف محمد باقر مجلسی با سبک و سیاقی مشابه، نگاشته شده است که برخی مطالب آن، از منابع کهن و برای برخی هم مآخذی به دست نیامده است. مجلسی بارها به کتابی به نام مقتل الحسین اثر محمد بن ابی طالب استناد کرده است که دارای اخبار شاذ و نادری است؛ ولی هیچ نشانه‌ای از آن در منابع پیشین یافت نمی‌شود. در دوره قاجاریه، ملا آقا شیروانی مشهور به «فاضل دربندی» (م ۱۲۸۶ ق) از شاگردان شریف العلماء مازندرانی کتابی با عنوان إکسیر العبادات فی أسرار الشهادات نوشت که بخش بزرگی از آن، درباره مقتل امام حسین علیه السلام است. فاضل دربندی با شور و احساسی فوق العاده به منظور گریاندن مردم بر مصائب امام حسین علیه السلام، کوشیده است با جمع آوری مطالب حزن آور، گوی سبقت را از دیگران برآید، هر چند که برخی مطالب آن سست و بی پایه است. [۱۸]. محمد تقی سپهر کاشانی نیز یک جلد از کتاب ناسخ التواریخ را به وقایع نهضت عاشورا و مقتل سیدالشهدا اختصاص داد؛ ولی هیچ منبع و مآخذی را ارائه نکرد. شاید به همین جهت بوده که سید جمال الدین اسد آبادی خواندن آن را اتلاف وقت و جایز نمی‌شمرده است. [۱۹].

بازگشت به مقتل نگاری مستند

در سده سیزدهم قمری، فرهاد میرزا فرزند عباس میرزا و نوه فتحعلی شاه قاجار که از شاگردان میرزا عیسی قائم مقام فراهانی «صدر اعظم» به شمار می‌آمد؛ در میانه سال‌های ۱۳۰۴ - ۱۳۰۳ قمری کتاب قمقام زخار و صمصام بتار (دریای ژرف و شمشیر بزننده) را نوشت. وی علت تألیف آن را وجود اختلاف در روایات منقول و ورود تشبیهات و توضیحات شاعران و ذاکران در تاریخ عاشورا بیان کرد. زیرا از نگاه او «این امور به اندازه‌ای رواج یافته بود که شناخت صحیح از سقیم، جز برای عالم خبیر و نافذ بصیر ممکن نمی‌باشد». به همین سبب در صدد تألیف کتابی خالی از حشو و زواید، در احوال امام حسین علیه السلام از ولادت تا شهادت بر آمد تا آن که در سال ۱۲۹۳ قمری، به هنگام بازگشت از سفر حج، در دریای سفید میان قبرس و رود، طوفانی عظیم، دریا را متلاطم می‌سازد. او به امام حسین علیه السلام متوسل می‌شود و دوباره نذر می‌کند کتاب مقتل را به پایان برساند. از این رو، مقداری از تربت آن حضرت را بر دریا می‌پاشد. در پی آن دریا آرام می‌گیرد و با عافیت تمام، به مقصد می‌رسد. ولی باز هم گرفتاری‌های مختلف او را از این کار باز می‌دارد تا این که در سال ۱۳۰۳ قمری گرد آوری و تصنیف آن را آغاز می‌کند. او در این باره می‌نویسد: خدای داناست که با قلت بضاعت و عدم استطاعت، به قدر وسع و طاقت در ترجیح اقوال و تنقیح اخبار که متون کتب فرق اسلامی از احادیث صحیح و تواریخ معتبره، بدان محتوی و منظوی است، اغفالی نرفت و در جمع و ذکر آن اهمالی نیفتاد و از کتب محدثین و مورّخین که از سنه یک هزار هجری و بعد از آن به رشته تألیف در آورده‌اند، درج و نقل نکردیم. [۲۰]. در سده چهاردهم قمری، مرحوم شیخ عباس قمی، معروف به «محدث قمی» با همین روش، کتاب نفس المهموم فی مصیبه سیدنا الحسین المظلوم را به زبان عربی تألیف کرد که البته از کتاب پیشین مهذب‌تر و منقح‌تر می‌نمود. در سده پانزدهم قمری، به سبب شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام، توجه به نهضت حسینی بیش از پیش گردید و بازنگری و تحقیق و تحلیل حوادث و وقایع مقتل سیدالشهدا علیه السلام را امری ضروری نمود. از این رو، کتاب‌های بسیاری با برخورداری از روش‌های نوین پژوهشی و زبان و ادبیات نسل کنونی به رشته تحریر کشیده شد که تا حدودی می‌توانست نیازهای تازه را پاسخگو باشد.

تعارض تحریف‌گرایی و تاریخ‌نگاری

به موازات این سیر تکاملی مقتل‌نگاری، تحریف‌گرایی نیز کماکان ادامه یافت و چه بسیار آثاری به قلم آمد و چاپ و پراکنده گردید که جز وهن مذهب و انحراف از حقیقت، نتیجه دیگری در بر نداشت. علی‌رغم نگاه بد بینانه‌ای که برخی محققان تاریخ

دارند و قدر متقن واقعه عاشورا را کشته شدن امام حسین علیه السلام در روز دهم محرم به دست سپاهیان یزید می‌دانند و بقیه مطالب مندرج در تاریخ را احتمالات می‌شمارند، به نظر می‌رسد که این حادثه، از تمامی حوادثی تاریخی دقیق‌تر و مطمئن‌تر به ما رسیده است؛ زیرا اولاً اغلب منابع از مجاری مطمئن فراهم آمده‌اند و ثانیاً بیشتر این منابع حداقل تا هفت قرن همسازگری دارند و مطالب متعارض و متناقض و تردید برانگیز قابل توجهی در آنها دیده نمی‌شود. و اگر مواردی هم گاه با معیارهای عقلی و تجربی ناسازگار می‌نماید، نشان از توصیف‌های ادبی و عاطفی و ورود تشبیهات و استعارات در روایات تاریخی دارد. آمیزش خرافات و مطالب واهی با وقایع و حقایق تاریخی، سبب پیدایش دو جریان در تاریخ پژوهی عاشورایی شده است: نخست: گسترش بدبینی و تردید افکنی حتی در مسلمات تاریخی؛ دوم: رویکرد اصلاحی، با بهره‌گیری از روش‌های علمی برای جدا کردن غث و سمین. البته به قول ابوالفضل بیهقی: «چون صدق با کذب و غث با سمین و صواب با خطا، امتزاج و اختلاط پذیرد، تمیز عسر شود». [۲۱]. این جانب از دو دهه قبل تاکنون، در این جهت قلم زده و افزون بر مقالات و سخنرانی‌ها، دو کتاب *مقتل الشمس* و *تفسیر تاریخ سرخ حسینی* را تقدیم علاقه‌مندان کرده‌ام. آنچه که وجه ممیز این دو اثر با آثار پیشین است، تلاشی است که مؤلف برای زدودن غبار تحریف از وقایع عاشورا و تنقیح و تهذیب روایات به کار برده است؛ زیرا یافتن حقیقت از انبوه اجزای پراکنده روایاتی، که گهگاه با اجزایی از روایات دیگر ترکیب یافته، و اسامی مشابهی که سبب اختلاف روایات شده، به خصوص تفکیک حقیقت از مجاز در ادبیاتی که مشحون از کنایات و ابهامات و استعارات است و گاه با احساسات و عواطف در آمیخته، کاری نه چندان آسان است؛ خصوصاً که بعدها مطالب فراوانی نیز به عنوان زبان حال به گونه‌ای روز افزون به رخدادها پیوند خورده است که مرز میان واقعیت و خیال را به هم ریخته و برداشت‌های شخصی و پندارهای واهی را با روایات تاریخی به هم آمیخته است و معجونی ساخته که با ملاک‌های عقلی و علمی، ناسازگار می‌نماید. البته تلاش‌هایی برای حقیقت‌جویی و واقع‌نگاری به انجام رسیده است که الحق شایان ستایش است.

پاورقی

[۱] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۳۲.

[۲] ر. ک: تاریخ فخری، ص ۱۵۵؛ تجارب السلف، ص ۶۷.

[۳] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۵۳ و ۳۵۹.

[۴] الإرشاد، ص ۱۹۶.

[۵] اللهوف، ص ۱۹۱.

[۶] ر. ک: نگاهی نو به جریان عاشورا، ص ۲۰۱.

[۷] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۲۱.

[۸] همان، ص ۳۱۳.

[۹] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۴۷.

[۱۰] الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۵۵.

[۱۱] رجال النجاشی.

[۱۲] وقعة الصفین.

[۱۳] الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۵۷ - ۱۵۸.

[۱۴] تاریخ طبری، ج ۱۳، ص ۳۶.

- [۱۵] الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۵۸.
- [۱۶] الأمالی، صدوق، مجالس سی‌ام و سی و یکم.
- [۱۷] الفتح، ابن اعثم کوفی، فصل ششم.
- [۱۸] برای آگاهی از شرح حال او، ر. ک: قصص العلماء، ص ۱۰۸؛ شرح حال رجال بامداد ایران، ص ۲۹۶.
- [۱۹] سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت‌های اسلامی.
- [۲۰] مقام زخار و صمصام بتار، ج ۱، ص ۸، مقدمه مؤلف.
- [۲۱] تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، ص ۱۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتعم فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

